

# نکاتی برای ادامه حرکت ۱۸ تیر

کوروش عرفانی

korosherfani@yahoo.com

جنبش سرنگونی رژیم به جریان افتاده است. در این میان برخی از تاریخ‌ها ارزش ویژه‌ای دارند. از جمله ۱۸ تیر. از چند ماه پیش اپوزیسیون ایرانی روی ۱۸ تیر ۸۲ سرمایه‌گذاری کلانی کرده بود. خیزشهای ده روزه ماه خرداد و سرکوب نسبی آن تا حدی تاثیر مثبت و منفی خود را بر ۱۸ تیر داشت. اینک باید دید که از این واقعه چه درسهایی برای مبارزه سرنگونی ساز می‌توان بیرون کشید.

(۱) ترس و وحشت از سرنگونی سرپای نظام را فراگرفته است. برای جلوگیری از تظاهرات ۱۸ تیر هر گونه راه و روش از جمله لوندی سیاسی، کار تبلیغاتی، برگزاری جشنواره موسیقی، عزاداری برای کشته‌شدگان جنگ، تهدید، تطمیع، ربودن آدمها، دستگیری ۵۰۰۰ نفر، ممنوع‌سازی قانونی، ندادن ویزا به خبرنگاران خارجی، پارازیت روی ماهواره‌ها، قطع تلفن‌ها، آماده‌باش نیروهای نظامی و انتظامی و ... بکار گرفت. اما نتیجه‌ای را که ملاها انتظار داشتند در بر نداشت و باز دیدیم که هزاران هزار نفر از مردم بیرون ریختند و شعار دادند مرگ بر سه جانی خامنه‌ای خاتمی رفسنجانی. این بیانگر پایان ظرفیت مهارگرانه رژیم است. امکانات و ابزارهای دولت به خواست او که ممانعت از برگزاری یک تظاهرات ضد حکومتی بود پاسخ نمی‌دهد. این وضعیت نشان دهنده آنست که جمهوری اسلامی قابلیت سرنگونی پیدا کرده است. فقط باید فشار مردمی حفظ شود.

(۲) برخی از اقشار مردم تحت تاثیر عوامل آگاهی بخش و شرایط غیر قابل تحمل وحشت و انفعال را کنار گذاشته و برای تغییر وضعیت سیاه حیات مادی و روحی خود اقدام کرده‌اند. این امر البته فراگیر نشده است و اکثریت جامعه هنوز در ترس از سرکوب بسر می‌برد. شکستن این جو نیازمند آنست که کار تبلیغاتی و سیاسی بیشتری صورت بگیرد. تاثیر برخی از برنامه‌ها از رادیو و تلویزیونهای ماهواره‌ای و اینترنت در این میان غیر قابل انکارست. در این باره فعالیت آگاهی بخش و تهیه برنامه‌هایی که محتوای آن بتواند مردم را به خود آورده و نسبت به عواقب پیدا و ناپیدای عملکرد حکومت کنونی آنها را آگاه کند، لازم بنظر می‌رسد. این وظیفه مشترک سیاسی‌کاران و نیز روشنفکران متعهد ماست.

(۳) باردیگر مسجل شد که حضور نیروهای سرکوبگر در هر گونه تظاهرات ضد حکومتی عامل تعیین کننده اهمیت و گستره آن حرکت است. یکبار دیگر رژیم جمهوری اسلامی بواسطه زنجیرکشان و تفنگ بدستان خود بر مردم، در معنای مقطعی و نسبی کلمه، "غلبه" کرد و یک بار دیگر مردم به دلیل دست خالی بودن و بی دفاع بودنشان "مغلوب" شدند. باز هم تلفاتی نسبتاً سنگین در میان تظاهرکنندگان. این معادله نابرابر تا زمانی که عده‌ای در اپوزیسیون با استفاده از وسایل ارتباطی‌شان مردم را به مبارزه مسالمت‌آمیز و عدم مقاومت در مقابل نیروهای سرکوبگر فرا می‌خوانند ادامه خواهد داشت. تنها زمانی مبارزه از این بن بست مصنوعی بیرون خواهد آمد که تعادل قوا میان تظاهر کنندگان و نیروهای سرکوبگر برقرار شود. یعنی یک بازوی مسلح قوی و سازماندهی شده به دفاع از مردم پردازد و یا خود مردم بطور توده‌وار مجهز شده و از خود دفاع مسلحانه بنمایند. این دور تسلسل به همت مدافعین مبارزه مسالمت‌آمیز ادامه می‌یابد و جمهوری اسلامی بقای عمر خود را مدیون این افراد و جریانات در اپوزیسیون خارج از کشورست که گروهی آگاهانه و برخی از

سرخوشباوری از روش مبارزه‌ای دفاع می‌کنند که تضمین ادامه عمر رژیم است. دعوت از مردم بی دفاع برای قرار دادن خود در معرض تهاجم وحشیانه نیروهای ضد انسانی رژیم نوعی خیانت به مبارزه است. زیر سوال بردن این منش غلط مبارزاتی و ارائه استدلالهایی که مبارزه قهر آمیز و بخصوص دفاع مسلحانه را موجه جلوه می‌دهد از وظیفه همه دوستداران مردم دردمند ایران است.

۴) فلج شدن دسته جمعی کلیه تلویزیونهای ماهواره‌ای ضعف این رسانه را بعنوان " ابزار اصلی " نقش‌آفرینی در جنبش سرنگون‌ساز نشان داد. نخستین اشتباه تجمع همه این تلویزیونها بر روی فقط یک ماهواره بود. با از کار افتادن این ماهواره همه کانالهای روی آن نیز از پخش باز ایستاد. پخش این ایستگاههای تلویزیونی بر روی ماهواره‌های مختلف و دارای مدیریتهای متفاوت یکی از ضرورتهاست. در همین رابطه و به دلیل محدودیتهای رسانه‌های ماهواره‌ای باید ابزارهای دیگر ارتباطات مانند اینترنت، رادیوهای موج کوتاه و نیز روش‌های سنتی ارتباط جمعی مانند، شعار نویسی، دیوارنویسی، پخش اعلامیه و ... نیز مد نظر قرار گیرد. بحث هماهنگی محتوایی نیز در مقاطع حساس مطرح است تا نیروها پراکنده نشده و به هدر نرود.

۵) پس از دو دهه ایرانیان خارج از کشور موفق شدند بر بسیاری از جدایی‌ها غالب شوند و برخی از بزرگترین گروه‌های سیاسی سالهای اخیر را آنها با شعارهای رادیکال در کشورهای مختلف جهان سازمان دهند. این امر بیانگر رشد و بلوغ سیاسی نسبی ایرانیان و فراهم شدن زمینه‌هایی برای یک نوع نزدیک سازی نیروهای سیاسی متفاوت می‌باشد. این دینامیزم باید از این پس بر اساس تقویت روحیه گفتگو و تحمل یکدیگر بر اساس رعایت برخی از اصول محوری مورد استفاده همه فعالان سیاسی که خواهان همبستگی نیروهای همگون مبارز ضد رژیم هستند قرار گیرد. حضور گسترده ایرانیان در این تظاهرات رفتار وسایل ارتباط جمعی غرب و به تبع آن افکار عمومی و اراده تصمیم گیران سیاسی را تحت تاثیر قرار خواهد داد. اما شرط آن این است که ایرانیان خارج از کشور صحنه را به یکباره خالی نکنند و در طول تابستان به فکر تعطیل مبارزه و رفتن به تعطیلات نیافتند. تداوم حضور در صحنه سیاسی و رساندن فریاد ایرانیان در زنجیر در داخل کشور وظیفه انسانی و ملی ماست. باید به این تظاهرات در سراسر دنیا تداوم بخشید و بسیج شدت افکار عمومی جهانی را بر علیه رژیم جنایتکار ایران بسیج کرد و سقوط آنرا بعنوان یک ضرورت مطرح ساخت. تماس با رسانه‌ها، سازمانهای بشردوستانه، شخصیتها، نمایندگان و سیاستمداران می‌تواند حمایت بین‌المللی نظام را تضعیف کرده و آنرا ضربه پذیرتر کند. در این زمینه انجام کارهای مشترک فراسازمانی که نمود نوعی همبستگی میان نیروهای همگون اپوزیسیون است تاثیر بسیار مثبتی خواهد داشت.

۶) مسیر سرنگونی رژیم مشخص شده است، اینک می‌ماند که چگونه آنرا بپیماییم. نبرد کنونی برای براندازی جمهوری اسلامی یک نبرد فرسایشی است که آغاز شده و اینک باید تداوم و ادامه آن حفظ شود. تداوم تهاجمات و استمرار تظاهرات. یعنی باید هرچه سریعتر اعتراضات یا سری تظاهرات اعتراضی بعدی را سازمان داد. هر چه فاصله زمانی میان تظاهرات کمتر باشد فروپاشی رژیم سریعتر و هر چه وسعت و رادیکالیزم تظاهرات بیشتر باشد براندازی آسانتر خواهد بود. رژیم به نفس نفس افتاده است و کارش، دیر یا زود، تمام است، اما هر چه جمهوری اسلامی سریعتر دفن شود انسان ایرانی کمتر درد و رنج خواهد کشید و کار سازندگی ایران زودتر آغاز خواهد شد. برنامه ریزی برای ادامه تظاهرات از همین امروز ۱۹ تیر لازم است. هر شب و هر روز و با ابتکاراتی جدید و غافلگیر کننده. رژیم ورشکسته، نامشروع و مزاحم جمهوری اسلامی جز چماق‌دارانش کسی را برای ادامه بقای خود ندارد. فشار ممتد و بدون انقطاع از حیث جسمی و روحی مقامات و نیروهای رژیم را به سرعت فرسوده و عصبی ساخته درصد خطای آنان را افزایش می‌دهد، این امر روند فروپاشی درون ساختاری نظام را تسریع می‌کند.

بدین ترتیب برخی آموخته‌های ۱۸ تیر امسال در اختیار ما هستند، امیدوارم سایر هموطنان نیز به بررسی تجارب و دست آوردهای این روز پرداخته و راهکارهای نوین پیشبرد جنبش سرنگونی را از آن بیرون کشند. (۱)

\* \*

(۱) برای مقایسه برخی از مشابته‌ها و تفاوت‌های ۱۸ تیر ۸۲ و سال گذشته پیشنهاد می‌کنم نگاه کنید  
به نوشته‌ای از همین قلم با عنوان: "آموخته‌هایی از ۱۸ تیر امسال" در آدرس زیر:  
<http://www.korosherfani.com/neveshteha/article-19-amokhteh18.PDF>